

ادامه از صفحه ۱۲

جامعه‌شناسی ایرانی

اگر نگاهی به تاریخ خود هرچند به صورت سطحی و در سطح روایی می‌افکنیم، می‌دیدیم که بارها از سم ستوران متجاوزان، زمین این جغرافیا شش شد و آسمانش هشت و هرگز از فاشیسم نمی‌گفتیم و اگر بر تاریخ خود تکیه کنیم که هگل براساس ۵۰ بند از ۱۰۳ بند جملات هراکلیتوس دیالکتیک و منطق آن را بنیان نهاده؛ درصورتی‌که هراکلیتوس خود شاگرد استان فارسی در شهر افسوس بود؛ باستان‌گرا می‌شویم. درصورتی‌که تافخر هیچ جایی در فرهنگ و تاریخ ما ندارد و این امر مبتذل به دلیل روان خراشیده کسانی است که راهی در آینده نمی‌بینند؛ پس به عقب برمی‌گردند، اما ما می‌خواهیم ارزش و انبوه منابع کارساز کارشده را نشان دهیم. این چه نسبتی با تافخر و باستان‌گرایی و لشکری از بی‌سودان خطاب‌کردن دیگران دارد. برای یادآوری، نمونه‌ای از ارزش‌های تاریخی بگویم. یشت‌ها مشخص نیست در چه زمانی نوشته شده‌اند؛ اما به حتم متونی پیش از زرتشت‌اند. با توجه به قدمت آن فرازی از آبان‌یشت را که خطاب به آب است، می‌خوانیم: ای زیبای آشتی‌آور، در هفت اقلیم روان باش! حال در نظر بگیرید که فلاسفه سیاسی قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، وضع طبیعی هابزی را برای دولت‌ها امری مشروع می‌دانستند و پرونده آموزش‌ان نیز که تحت اراده اقتصاد غول‌آساست، روشن‌تر است. اقتصادی که چون سیرسه هندی هرچه بیشتر انسان می‌خورد، از قضا جذاب‌تر می‌شود! حال برگردیم در همین دوره هزارو چند صد ساله اسلامی خود تا ببینیم کدام‌یک از دانشمندان ما حربه مشروعیت کشتار آدمی به دولت‌ها داده‌اند و اگر جنگ و حیاتی نبوده است، کجا قابل ستایش بوده است و نه اهریمنی!

۳- **تاریخ بر زمین مانده**: ما نه توانستیم تاریخ خود را بخوانیم و نه توانستیم از آن رها شویم چون نمی‌توانیم خود را از ماهیت تاریخی خود معاف کنیم. ما به عنوان انسان ایرانی همه لایه‌های تمدنی متنوع خود در طول هزاره‌ها را با خود به همراه داریم اما نمی‌توانیم آن را بیان کنیم ولی با آن زندگی می‌کنیم. به همین دلیل تاریخ ما ساکت است و روایتی ما نیز سکوت پیشه کرده است اما سکوت تاریخ ما از تهی‌بودگی نیست ولی گنگ‌بودن زبان ما از تهی‌دستی است. ما به در دلیلی با زبان خود نتوانستیم در دو سده اخیر به اقل حد یعنی بعد از اراده تأسیس مجدد خود، تاریخ خود را به زبان بیابوریم پس چاره را در آسان‌ترین راه و آن هم کنارگذاشتن تاریخ و روایتی از فرهنگ سایر دیدیم. زبانی که پس از غزالی تا حمله تتراران و از حمله تتراران تا حافظ، خود را پنهان کرد و در رموزار عارفانه پیچید تا به حافظ ختم شد. در این مدت، در تحریر هر گونه مفهوم‌سازی‌های فلسفی و اندیشگی بود. معماری در مساجد و محراب‌ها گوشه عزت‌گرفت و خود زبان با پذیرش مسئولیت حمل بار عرفان در نثر و شعر سال‌ها به زندگی رزنده ادامه داد زیرا شعر در این مدت بار اصلی مصائب و مسائل را بر عهده گرفته بود که نوع عرفانی آن به جلال‌الدین بلخی رسید و نوع عاشقانه عارفانه آن به حافظ چنان که از قبل گفتم، ختم شد. حافظ همه لایه‌های تمدنی ما، از پیشازدشت تا تمدن دوره اسلامی ما تا زمان خود را که هرچند به شیوه متن و حاشیه اما تنیده درهم همچون بوریا می‌زیستند، به کارگاه حریربافی برد و از این روی هم هست که نتوانستیم حافظ را بخوانیم درحالی‌که غزلیات حافظ بیشتر طاقچه‌های خانه‌های ایرانیان را اشغال کرده بود و کرده است زیرا از آن لذت می‌بریم چون از ماهیت لال ما در سلیقه روشنی رازآمیز می‌گوید و از این مناسبت آشنایی گنگ لذت می‌بریم. ولی آنچه درباره آن تا امروز نوشته‌ایم، هرگز در مقایسه با حد اشغال و لذت نیست. اگر درباره کمدی الاهی داتنه آن‌قدر می‌نویسند که هر سال کتاب‌نامه‌اش تجدید می‌شود، درباره حافظ، ما در حدی نوشته‌ایم که بفهمند ما لال بوده و هستیم. بعد از حافظ و حتی در زمان حافظ به دلیل در غلغلیت و عارفان به فساد، عرفان نیز به خاک در غلغلیت و این آخرین حربه نیز از کف رفت و زبان بدون پشتوانه اقتصاد نظری، سده‌ها با ما به سر برده است.

بنا براین و بنابر همه آنچه گفته شد، ما درحالی‌که در زمان ایستاده‌ایم، باید بتوانیم تاریخ خود را بنویسیم و بخوانیم، نخواندن تاریخ، نیاقتن خود زیسته و ماهیت تولیدشده اما انباشته‌شده در مای در طول هزاره‌هاست که ذائقه زیست ما را تشکیل می‌دهد و غیر این صورت مانند دو سده اخیر راهی به دهی نخواهیم برد زیرا چنان که از قبل گفته شد، فرض را بر این گرفتیم که جهان سایر را مانند گل دم ییل می‌توان به جهان خود پرتاب کرد و حتی از زحمت تعبیه نیز خود را معاف داشتیم. بنابراین ما باید سعی کنیم تا بتوانیم با هوش تحلیلی خواندن تاریخ خود را از عصر اساطیر که امروزه به دلیل پیدایی شواهد، بیشتر رنگ تاریخ به خود گرفته است تا امروز آغاز کنیم و چرایی و چگونگی آن را به پرسش بشکیم تا با حاصل این خوانش و تولید نظر، زبان را آزاد کنیم... در غیر این صورت در خوشبینانه‌ترین حالت، ما به همراه جغرافیای خود با کوچی اجباری اما برای همیشه بی‌بازگشت، روبه‌رو خواهیم شد.

۱- تقی آزادامکی- خبرگزاری مهر- ۳۱- مرداد ۱۳۹۵

۲- جمیل صلیبا- از افلاطون تا ابن‌سینا- ترجمه فریدالدین رادمهر- نشر مرکز- چاپ اول ص ۲۲

۳- مجید اسدی- مدرنیسم نیما- انتشارات پارییر۱۳۸۹صص۶۶-۶۱

۴- دکتر فرهنگ مهر- دیدی نو از دینی کهن- انتشارات جامی- ۱۳۸۷-ص ۷۱

صدرا محقق روز سه‌شنبه «بهاره آروین»، عضو شورای اسلامی شهر تهران، در تویییتی در صفحه توییتر خود سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه شهرداری تهران را به حیاط‌خلوت شهرداری تشبیه کرد و نوشت: «اغلب سازمان‌های شهرداری تهران به سامانه ثبت اطلاعات متصل نیستند و امکان نظارت بر آنها کم است». در همین رابطه و برای واکاوی جزئیات بیشتر این حیاط‌خلوت و کارهایی که در آنها انجام می‌شود، با این عضو شورا گفت‌وگو کرده‌ایم. او به «شرق» می‌گوید درمجموع ۱۳ هزار میلیارد تومان از بودجه شهرداری در همین شرکت‌ها و سازمان‌ها صرف می‌شود که نظارت چندانی هم بر آنها اعمال نمی‌شود.

❧ در تویییتی که نوشتید، از فعل مضارع استفاده کرده‌اید. آیا منظور این است که اخیرا و در دوره جدید این اتفاق رخ داده یا چنین چیزی پیش از این نیز مرسوم بوده است؟

من نوشتم که سازمان‌ها و شرکت‌های شهرداری و واحدهای تابعه شهرداری، حیاط‌خلوت شهرداری تهران هستند. از گذشته هم بودند. البته در دوره فعلی هم ادامه پیدا کردند. منتها این سابقه اتفاقا خیلی قدیمی است. اگر به خاطرات خانم وسمقی از شورای اول مراجعه کنید، می‌بینید که از همان دوره، بحث نظارت‌پذیرنبودن واحدهای تابعه، مطرح بوده و باعث نوعی تنش و اختلاف‌نظر بین اعضای شورا و شهردار بوده است. بنابراین این، سابقه طولانی دارد. از زمانی که این سازمان‌ها و شرکت‌ها ایجاد شدند، این بحث مطرح بوده است. خود اداره کل مجامع، اخیرا در بحث بررسی اسانامه تیپ سازمان‌ها که در کمیسیون برنامه‌وبودجه انجام شد، خود مسئولان شهرداری خیلی صراحت دارند که سازمان‌ها و شرکت‌های شهرداری اساسا ایجاد شدند که بتوانیم از آیین‌نامه مالی معاملاتی شهرداری تهران فراتر برویم و از ظرفیت‌های قانون تجارت برای پیشبرد کارها و تسریع در انجام کارها استفاده کنیم. بنابراین، این هدف اولیه واقعا بوده است. حتی همین الان هم وقتی بحث این می‌شود که سازمان‌ها و شرکت‌ها کمی محدود شوند، همواره این استدلال می‌شود که اگر قرار بود محدود شوند، چرا ایجاد شدند؛ یعنی ما واحد مستقل ایجاد کردیم تا بتوانیم از ظرفیت‌های اختیارات قانونی که می‌توانیم به آنها بدهیم استفاده کنیم. بنابراین خیلی‌مواقع استدلال می‌شود که وقتی بحث تصویب بودجه آنها می‌آید، بحث این می‌شود که اهرمی برای نظارت بر بودجه این سازمان‌ها و شرکت‌ها وجود ندارد. خودم در مورد بودجه ۹۷، وقتی عملکرد بودجه ۹۵ را بررسی می‌کردیم - چون سال ۹۶ هنوز تمام نشده بود، آن چیزی که رسما داشتیم، عملکرد بودجه ۹۵ بود - ما بودجه مصوب ۹۵ سازمان‌ها و شرکت‌ها را داشتیم. در جاهایی اینها، آن‌قدر اختلاف داشتند، یعنی عملکرد درآمد، بعضا چهاربرابر درآمد مصوب بود یا برعکس هزینه‌ها چندین‌برابر هزینه‌ها مصوب بود. سؤال من از دوستان کمیسیون این بود که اگر قرار است چنین اختلاف عملکرد و مصوبی وجود داشته باشد، اصلا چرا وقت می‌گذاریم و آن را تصویب می‌کنیم. اصلا هدف ما از تصویب بودجه سازمان‌ها و شرکت‌ها چیست؟ وقتی اهرم فشاری نداریم، به‌خصوص که برخلاف مناطق و ستاد شهرداری تهران، ذی‌حسابانی که قائممقام ذی‌حساب در محسوب می‌شوند و قائممقام ذی‌حساب یک؛ یعنی شهردار تهران و مدیرکل امور مالی که ذی‌حساب یک و ذی‌حساب دو هستند، قائممقام‌های اینها در مناطق، به تأیید شورا می‌رسند، همین قائممقام ذی‌حساب در واحدهای تابعه هم به تأیید شورا می‌رسند. ولی اساسا ذی‌حساب در شرکت، ذی‌حساب مورد تأیید شورا در واحدهای تابعه، حق امضا ندارد؛ یعنی چک‌های مالی در واحدهای تابعه را ذی‌حساب مورد تأیید شورا، اساسا امضا نمی‌کند. به همین دلیل اهرم نظارتی شورا در آنجاها خیلی کم‌رنگ است.

❧ متصل‌نبودن به سامانه ثبت اطلاعات و نبود امکان نظارت بر چنین سازمان‌ها و شرکت‌هایی امکان بروز چه نوع تخلفاتی را فراهم می‌کند، لطفا در این‌باره بیشتر و با جزئیات دقیق‌تر توضیح بدهید.

در حقیقت به غیر از بحث ذی‌حسابی، دومین اهرم نظارتی که شورا می‌تواند داشته باشد، همین بحث سامانه‌هاست. به‌ویژه یکی از مهم‌ترین سامانه‌ها، سامانه جامع مالی است که قرار بود سامانه عملکرد ثبت عملیات مالی در مجموعه تهران باشد. همین سامانه در بسیاری از واحدهای تابعه به طور کامل استفاده نمی‌شود. به عبارتی در اغلب واحدها، چون خیلی دستور مدیریتی بوده و گرفت‌وگیر و فشار بوده است، در کنار استفاده از سامانه موازی خودشان، سعی می‌کنند هرازچندی، یک عملیات هم در اینجا وارد کنند که خیلی این‌طور هم نباشد که از سامانه استفاده نمی‌کنند؛ ولی هیچ تضمینی هم نیست که همه عملیات مالی خود را در سامانه مالی شهرداری تهران ثبت کنند؛ چون همان‌طور که گفتم، اغلب آنها سامانه‌های موازی دارند. این درباره سامانه قرارداده‌ها که قراردادهای شهرداری تهران با رقم بالای ۲۵۰ میلیون به شکلی شفاف از روی سامانه قراردادها به صورت سیستماتیک فراخوان داده می‌شود، این مشکل نبود اتصال سیستماتیک به سامانه قراردادها درباره بسیاری از واحدهای تابعه، خیلی پررنگ‌تر



سیدرضا محقق، شایع‌نگار شرق

است؛ یعنی باز اگر سامانه مالی در تعداد بیشتری از واحدهای تابعه به طور کامل استفاده می‌شود، در سامانه قراردادها، صرفا چهار مورد از ۴۴ واحد تابعه هستند که جزئیات را با گردش مالی و به صورت کامل، در این سامانه اطلاعات ثبت می‌کنند. پس از دستور مدیریتی آقای نجفی برای انتشار اطلاعات قراردادهای بالای یک میلیارد تومان، واحدهای تابعه موظف شدند که قراردادها را اصلاحا بدون گردش در سامانه قراردادها ثبت کنند. این اتفاق هم افتاده است؛ ولی چون این سامانه راه‌اندازی کامل نشده و صرفا سامانه‌ای است که برای همین دستور مدیریتی استفاده شده، اساسا ما مطمئن نیستیم که همه قراردادهایی که در واحدهای تابعه بسته شده، در این سامانه وارد شده و روی وب‌سایت شفاف، قراردادهای کلان آن نمایش داده می‌شود یا خیر. ما سعی کردیم از طریق سازمان بازرسی، نمایندگان مستقر بازرسی در واحدهای تابعه و همچنین از طریق ذی‌حسابان تأییدشده شورا، این اطمینان را حاصل کنیم؛ ولی باز هم هیچ‌چیز جای اتصال سیستماتیک واحدهای تابعه به دو سامانه مهم ازجمله سامانه مالی و سامانه قراردادها را نمی‌گیرد؛ بنابراین غیر از عملیات حسابرسی که درباره واحدهای تابعه انجام می‌شود، شورا کمابیش هیچ ابزار نظارتی ندارد. حتی درباره حسابرسی هم در دوره پیشین این‌گونه بوده که خود مجامع شرکت‌ها اقدام به انتخاب حسابرס می‌کردند. در دوره پنجم شورا، دوستان سعی کردند از همسویی شهرداری و شورا استفاده کنند و این را به تصویب برسانند. یک بار هزینه حسابرسی پرداخت شود و حسابرס منتخب شورا، کارهای حسابرسی واحدهای تابعه را انجام دهد. سعی کرده‌ایم که در سال ۹۷ این اتفاق بیفتد. امیدوارم این تصمیم بتواند به رویه تبدیل شود و یک بار، حسابرسان منتخب شورا، کار عملیات حسابرسی را انجام دهند.

❧ با تعبیر حیاط خلوت شهرداری که به کار برده‌اید، یعنی مدیران و مسئولان بلندپایه شهرداری یا مثلا شخص شهردار از این موضوع اطلاع و آگاهی دارند؟

بله همان‌اگاه هستند و واقعیت این است که سازمان‌ها و شرکت‌ها در فرایندهای جاری شهرداری تهران دخیل هستند. در حقیقت این سازمان‌ها و شرکت‌ها، آن‌چنان در فرایند روزمره شهرداری تهران دخیل شده‌اند که امکان حذف یا کاهش یکپارچه آنها وجود ندارد. در واقع خیلی درهم تنیده شدند. یک مورد را هم که فراموش کردم و باید در اوایل صحبت می‌گفتم، درباره مسئله سازمان‌ها و شرکت‌ها این است که اگر چه بودجه رسمی شهرداری تهران ۱۷هزارو ۹۰۰ میلیارد تومان است؛ ولی حدود پنج هزار میلیارد تومان هم بودجه اختصاصی سازمان‌ها و شرکت‌هاست که در واقع رقم اصلی بودجه ۲۳ هزار میلیارد تومان می‌شود. البته اصل بودجه‌ای که در سازمان‌ها و شرکت‌ها خرج می‌شود، ۱۳ هزار میلیارد تومان است. هشت هزار میلیاردش با بودجه شهرداری مشترک است و پنج هزار میلیارد هم به صورت اختصاصی است. به این دلیل است که می‌گویم اینها خیلی با امور روزمره شهرداری درهم تنیده شدند.

این در حالی است که باید ببینید چرا سازمان‌ها و شرکت‌ها ایجاد شدند. چرا ما سازمان‌های مختلفی داریم که الان وظایف حاکمیتی شهرداری تهران را برعهده گرفته‌اند؟ اصلا چرا این سازمان‌ها ایجاد شدند؟ چون در زمان راه‌اندازی فرض شده یک سازمان تخصصی ایجاد شود که به شهرداری تهران سروسس می‌دهد و شاید به بقیه متقاضیان هم. در مورد شرکت‌ها که اساسا فرض شده بوده که اینها سودده باشند. یعنی بتوانند از طریق تخصصی‌شدن در اموری که برعهده می‌گیرند، مشتریان دیگری هم جذب کنند و تخصصی شوند. هم سازمان‌ها و هم شرکت‌ها، مشتری انحصاری شهرداری تهران را دارند. یعنی اینکه واحدهای تابعه می‌توانند ادامه حیات دهند، به این دلیل است که بخشی از بودجه شهرداری تهران، در قالب پروژه‌ها و کارهایی که به آنها ارائه می‌شود، در آنجاها صرف می‌شود؛ اگرچه ممکن است رقابتی در بخش خصوصی هم داشته باشند ولی به شکل انحصاری، پروژه‌ها را از شهرداری می‌گیرند. حالا مشکل کجاست؟ مشکل این است که زمانی قرار بوده این سازمان‌ها یا شرکت‌ها خودشان متولی انجام کار شوند. اما الان

جامعه

عضو شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

حیاط خلوت ۱۳ هزار میلیاردتومانی شهرداری

شهرداری تهران به آنها کاری ندهد، اساسا در این حدواندازه‌ها با کیفیت نیستند که بتوانند به مشتریان دیگر سرویس بدهند و ادامه حیات داشته باشند. به همین دلیل، پیشنهاد من برای کاهش سطوح سازمانی این بود که هدف‌گذاری سنجش‌پذیر برای برنامه عملیاتی کاهش سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه این باشد که وابستگی بودجه شرکت‌ها به بودجه شهرداری تهران، سالانه ۱۵ درصد کاهش پیدا کند.

❧ نهاد شهرداری از گذشته‌های دور تا امروز همیشه نامش با تخلف عجین بوده است، حتی شهرداران سابق هم به این موضوع در اظهاراتشان اشاره و اعتراف می‌کردند، مثلا آقای قالیباف همیشه می‌گفت در ایران سه نهاد نظمی، بدلیه و عدلیه با فساد و تخلف گره خورده‌اند اما حتی شهرداری دوره خود او هم براساس آمار و مستندات و پرونده‌های پیگیری و منتشرشده دارای فساد و تخلف بوده است. به نظر شما در دوره پنجم شورای شهر که با شعار شفافیت رای آوردند و خود شما چقدر نتوانسته‌اید در زمینه کنترل و مهار این فساد کام بردارید؟

درباره میزان موفقیت یا شکست شورای پنجم، واقعیت این است که باید منتظر بمانیم. شفافیت امری است که در میان‌مدت و بلندمدت جواب می‌دهد. ما باید در پایان دوره ببینیم چقدر توانستیم از میزان فساد در شهرداری تهران کم کنیم و به همان اندازه، اعتماد عمومی را به شهرداری افزایش دهیم. اقداماتی که از یک سال گذشته تا الان شروع شده است، اقداماتی نیست که بگویم الان فساد را ریشه‌کن کردیم، یا حتی توانستیم خیلی خیلی تأثیرگذار باشیم. واقعیت این است که مسئله تخلف و فساد در شهرداری تهران، همان‌طور که اشاره کردید، بسیار ریشه‌دار است. خرد، گسترده و روزمره شده است و با یک اقدام و دو اقدام نمی‌شود گفت که این فساد و تخلف به‌طور کامل حذف می‌شود. ما امیدوار هستیم که مجموعه اقدامات درهم‌تنیده که هم باید اصلاح ساختار داشته باشید، هم باید نهادهای نظارتی را قوی کنید، هم نظارت همگانی را فعال کنید، هم شفافیت را محقق کنید، انجام شود. یعنی در یک مجموعه اقدامات به‌هم‌پیوسته و در یک بازه زمانی میان‌مدت و بلندمدت؛ امیدواریم که اقدامات شورای پنجم، مثمرثمر باشد.

خبر

تهران غرق در بو

• شرق: بعدازظهر روز گذشته، بویی نامطبوع اکثر نقاط پایتخت را دربر گرفت؛ بویی که در ابتدا خیابان انقلاب، میدان هفتم‌تیر و ولیعصر را فراگرفته بود، ولی کمی بعد بیشتر مناطق تهران را دربر گرفت. در ساعات اولیه انتشار این بو، گمانه‌زنی‌ها درباره منشأ بویی شبیه به فاضلاب یا زباله سوخته فراوان بود و تا لحظه انتشار این گزارش نیز هنوز منشأ آن مشخص نشده است. پس از انتشار بوی نامطبوع در سطح شهر تهران که در نقاط مختلفی به مشام رسیده بود، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران تشکیل جلسه داده و نسبت به بررسی این مسئله اقدام کرد.همچنین مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران در پی انتشار بوی نامطبوع در تهران گفت: کارگروه ویژه‌ای در محیط زیست شهر تهران برای بررسی منشأ این بو تشکیل شده است، ولی هنوز به نتیجه مستندی نرسیده‌ایم. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی، در گفت‌وگو با «شرق» درخصوص منشأ بوی ناخوشایندی که در اکثر مناطق تهران استشمام می‌شود، اظهار بی‌اطلاعی کرده و اعلام کرد: درحال حاضر تماس‌های مکرری درباره این بو داشته‌ایم و نقشه‌ما تقریبا خبر می‌دهد که تمام تهران آغشته به این بو شده است. نیروهای گشت‌زن ما در حال پیگیری این مسئله هستند، اما تا منشأ بو مشخص نشود، نمی‌شود نظر قطعی داد.هرچند منشأ این بو مشخص نشده، اما اظهارنظرهای متفاوتی درباره منشأ این بو در فضای مجازی منتشر شد. زهرا صدراعظم‌نوری، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری به «شرق» گفت: در حال پیگیری منشأ بوی بد در پایتخت هستیم. سازمان آتش‌نشانی، اکیپ‌های مختلف گشت‌زنی خود را به مناطقی که بو بیشتر در آنجا استششاق می‌شود گسیل کرده تا در حال آماده‌باش بتوانند مسئله را مدیریت کنند. همچنین از آنجایی که به نظر می‌رسد بوی پخش‌شده، بوی فاضلاب باشد، بنابراین از طریق شرکت آب و فاضلاب هم پیگیر هستیم و آنها نیز اکیپ‌های گشت‌زنی خود را به مناطق اعزام کرده‌اند. وی افزود: اما باید در نظر داشت، بررسی این کار زمان‌بر است، اما ماموران در حال کار هستند تا بدانند که علت اساسی این پدیده چیست.



مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد

۳ دهه تلاش در عرصه خدمات رایگان

توانمند سازی ، حرفه آموزی،توانبخشی

اشتغال،کاربابی و تحصیلات دانشگاهی توان یابان

به همراه جدیدترین متدهای پشتیبانی اشتغال و تحصیل

Supported Employment (SE)

Supported Education (SED)

کمک های مردمی ـ بانک سامان

۶۲۱۹۸۶۱۰۰۱۸۶۷۶۳۸

تهران، شهرک غرب، فاز دو، خیابان هرمرزان، خیابان پیروزان جنوبی ، پلاک ۷۴

۰۲۱ - ۸۸۰۸۲۲۶۶

www.raad-charity.org

info@raad-charity.org

/raadcharity

/raad_charity